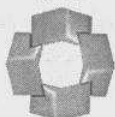


آرام بی پایان

طاہرہ جلیوند



۱۳۹۶



مرکز فرهنگی ورزشی آبا

ABA Cultural Center



9 789645 61060

سرشناسه: جیلوند، طاهره، -
عنوان و نام پدیدآور: آرام بی پایان / طاهره جیلوند.
مشخصات نشر: تهران: آبا، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص. ۱۴/۵ * ۲۱/۵ س. م
شابک: EAN: 978-964-5610-70-6
وضعیت فهرست نویسی: فیا / قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
Persian poetry - 20th century
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ - ۸۷۱۴۳ / PIR ۸۳۳۹
رده‌بندی دیویی: ۸۵۱ / ۶۲
شماره کتاب شناسی ملی: ۴۸۷۹۶۶۷



مرکز فرهنگی ورزشی آبا

تهران - خیابان بهار شیراز - قبل از خیابان سهروردی - پلاک ۱۲۵ - تلفن: ۷۷۵۱۵۰۵۵ - فکس: ۷۷۵۱۵۰۵۵

Email: abiaba2@yahoo.com

عنوان کتاب: آرام بی پایان

نویسنده: طاهره جیلوند

ناشر: انتشارات آبا

تیراژ: ۲۲۰۰ جلد / نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

چاپ و صحافی: اندیشه برتر

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۱۰-۷۰-۶

EAN: 9789645610706

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است

ABA Cultural Center



9 789645 61060

◀ فهرست

۳۱	۲۳- نیلوفران آبی پوش	۸	۱- از نور تا ایت
۳۲	۲۴- اندوه درخت	۹	۲- بدی
۳۳	۲۵- نور	۱۰	۳- پس بزن
۳۴	۲۶- وهم انگیز	۱۱	۴- آذران
۳۵	۲۷- ابرهای ناپایدار پاییزی	۱۲	۵- پنجره خاموش
۳۶	۲۸- هوای او	۱۳	۶- تلماسه
۳۷	۲۹- علاج	۱۴	۷- در ذهن خیس باران
۳۸	۳۰- اینگونه باید بود	۱۵	۸- درمانگر
۳۹	۳۱- آرامش آبی آتش ظهر	۱۶	۹- ده ساگی
۴۰	۳۲- رها	۱۸	۱۰- آرام بی پایان
۴۱	۳۳- نا، جایی، برسد	۱۹	۱۱- سرشار
۴۲	۳۴- پیده	۲۰	۱۲- فرو آ
۴۳	۳۵- ترانه	۲۱	۱۳- کاری از من نمی آید
۴۴	۳۶- خدایان	۲۲	۱۴- صادقانه ها
۴۵	۳۷- جهانم	۲۳	۱۵- نامفهوم تاریک شب
۴۶	۳۸- شکاف	۲۴	۱۶- مرا ببر
۴۷	۳۹- دلم گرفته است	۲۵	۱۷- نشانه
۴۸	۴۰- دریچه	۲۶	۱۸- و تو می دانی
۴۹	۴۱- دروغ	۲۷	۱۹- نیمه شب
۵۰	۴۲- بی قراری هایم	۲۸	۲۰- ووستاک
۵۱	۴۳- آرام تر خواهم شد	۲۹	۲۱- یک پنجره
۵۲	۴۴- کلارینت	۳۰	۲۲- یادها

۸۱	۷۱- شبدرها	۵۳	۴۵- سکوت می خواهم و بودا را
۸۲	۷۲- اتفاق	۵۴	۴۶- ساده پنهان
۸۳	۷۳- مردادخانه های گرم	۵۵	۴۷- مرگ من خواهد رسید
۸۴	۷۴- موهوم	۵۷	۴۸- تو می روی
۸۵	۷۵- نقش و نقاب	۵۸	۴۹- رخداد
۸۶	۷۶- لخت و پرمایه	۵۹	۵۰- پای من
۸۷	۷۷- ماتران	۶۰	۵۱- زن
۸۸	۷۸- گشاده تر	۶۲	۵۲- پر شورتر از منم
۸۹	۷۹- و خدایی که نگاهش می کرد	۶۳	۵۳- در شاه ای خیم
۹۰	۸۰- هجوم بوج خوشبخت	۶۴	۵۴- چه فرق می کند
۹۱	۸۱- نقطه های بی رنگ	۶۵	۵۵- گاهی
۹۲	۸۲- می رسم من از راه	۶۶	۵۶- تو آنجا نبودی
۹۳	۸۳- نادیده	۶۷	۵۷- تا بهارم
۹۴	۸۴- ماسه های داغ	۶۸	۵۸- شبیه خاک
۹۵	۸۵- کرانه	۶۹	۵۹- پارو باید زد
۹۶	۸۶- نور می دیدم در خواب	۷۰	۶۰- به تو می نگرم
۹۸	۸۷- در خوابم گشت	۷۱	۶۱- آن گاه
۹۹	۸۸- آهسته درخود	۷۲	۶۲- گسیل
۱۰۰	۸۹- بهشت خیالی	۷۳	۶۳- کوجه یخ های تاریک
۱۰۱	۹۰- بیداری	۷۴	۶۴- ما هنوز همانیم
۱۰۲	۹۱- پیش از آنکه	۷۵	۶۵- باور جویی
۱۰۳	۹۲- تجلی	۷۶	۶۶- با من از هیچ نگو
۱۰۴	۹۳- باد خفته	۷۷	۶۷- پنجره ای برای شب
۱۰۵	۹۴- آن دورها	۷۸	۶۸- پشت سر اندوه من تاریک است
۱۰۷	۹۵- این راه کمی آنسو تر	۷۹	۶۹- گلبرگ
۱۰۸	۹۶- ارتفاع اندوه	۸۰	۷۰- کاغذی

۱۳۶	۱۲۳- آینه ها	۱۰۹	۹۷- ترس
۱۳۷	۱۲۴- برپام آبی خیال	۱۱۰	۹۸- شبستان
۱۳۸	۱۲۵- در سایه ماه	۱۱۱	۹۹- التهاب داغ تابستانی
۱۳۹	۱۲۶- درخت پیرانجیر	۱۱۲	۱۰۰- تکرار
۱۴۰	۱۲۷- سرکش	۱۱۳	۱۰۱- وزیم
۱۴۱	۱۲۸- دیدار	۱۱۴	۱۰۲- افق دور
۱۴۲	۱۲۹- گناه	۱۱۵	۱۰۳- جریان
۱۴۳	۱۳۰- باغ های ارکیده	۱۱۷	۱۰۴- در مر
۱۴۴	۱۳۱- هیچ کس ما رانجات نخواهد داد	۱۱۸	۱۰۵- در جایی نامعالم
۱۴۵	۱۳۲- تنهایی	۱۱۹	۱۰۶- مهبانگ
۱۴۶	۱۳۳- خدای سنگی	۱۲۰	۱۰۷- اینجا همیشه زمستان است
۱۴۷	۱۳۴- نوری پیرتر از آنچه می نمود	۱۲۱	۱۰۸- آبی خاکستری
۱۴۸	۱۳۵- میان دست های تو	۱۲۱	۱۰۹- آرام باش
۱۴۹	۱۳۶- سپاه چاله	۱۲۳	۱۱۰- شب مرا می پاید
۱۵۰	۱۳۷- خانه	۱۲۴	۱۱۱- سرگردان
۱۵۱	۱۳۸- پاییزم	۱۲۵	۱۱۲- زنده ام
۱۵۲	۱۳۹- بگریزیم	۱۲۶	۱۱۳- روزها
۱۵۳	۱۴۰- آرمادیلو	۱۲۷	۱۱۴- ساخته گی
۱۵۴	۱۴۱- تا به امروز	۱۲۸	۱۱۵- روشن جاری
۱۵۵	۱۴۲- آکوا	۱۲۹	۱۱۶- شاید
۱۵۶	۱۴۳- تا ارس	۱۳۰	۱۱۷- نقره فام
۱۵۷	۱۴۴- امور	۱۳۱	۱۱۸- موریانه
۱۵۸	۱۴۵- باید رفت	۱۳۲	۱۱۹- وامانده ایم
۱۵۹	۱۴۶- پلشتی	۱۳۳	۱۲۰- نه میان بن بست ها
۱۶۰	۱۴۷- آفتاب ماه اوت	۱۳۴	۱۲۱- آرزو کردم
		۱۳۵	۱۲۲- آنشب

◀ مقدمه ای بر شعر

اکنون دست های آسمانی و پاهای زمینی برافراشته اند تا در تاریکнай عمق وجود، نقطه های رخشان و تیره از غرور، عشق، شکست، بی رحمی، احساس، پیروزی، اندوه، شادمانی، شوق، سرکشی، مهربانی، سادگی و هر آنچه که در من تمامی ندارند را نمایان کنند.

به دست است سر فرود آوردن و لب از سخن فرو بستن. چه دشوارتر است سبک کردن هر آنچه در وجود آدمیست. نمی خواهم بی رحم نباشم و بی غرور هم نمانم. نمی خواهم بی احساس، بی عشق و بی سادگی باشم. همانطور که همیشه هر چیز را یکجا با هم خواسته ام. نه پایی به زنجیر می دهم و نه دهانی دهانه با سوزن و نه سری می دهم فرو افتاده و نه دستی به تمنا و نه غرورم که میوه ارزانگی من است را به ارزانی.

حال آنکه در خنکای دل خویش امواج خروشان احساس و ترحم با من در می آمیزد و مرا به جنون می کشاند. جنونی که بایه گیسست ولایه هایی از مهربانی و خشم که بی درنگ و بی تردید بر سر زمین مهربانی می بارد و بی قراری هایم که خویش مرا از پوچی می رهاند و من در این رهائی چه اندازه خوشبختم.

شعر فقط شعر نیست. شعر معجزه ایست که شاعر آنرا می زند و تمام رازهایش را فاش می کند و در آن وقت است که شاعر فرخ از تمام اسرارش سبک بال در زندگی به پیش می رود و بر کرانه اش آرام می گیرد و این بار دیگر چیزی برای پنهان کردن ندارد و نه چیزی برای فریاد کشیدن و من آرامش پس از فریاد را چه اندازه دوست می دارم.

